

کی عروسک‌باز را جامعه عروسی درخور است؛
«تأملی بر رویکرد متون ادبی - تاریخی دوره قاجار به پدیده کودک همسری»
ندا سنبلی^۱، عباس قدیمی قیداری^۲

^۱دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
^۲دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

چکیده

پدیده‌ای که امروزه «کودک همسری» نامیده شده و از مسائل و آسیب‌های مهم اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان به شمار می‌رود، مسئله و موضوعی تاریخی است که در عصر قاجار در کشاکش سنت و تجدد، به تدریج به مسئله و موضوع مهمی، دست کم در میان اقشاری از جامعه ایران تبدیل شد. کودک همسری یا ازدواج دختران در سنین پایین علی‌رغم آن که پدیده‌ای مرسوم در ایران پیشامدن بوده اما از دید بسیاری نیز این پدیده، آسیبی اجتماعی و پدیده‌ای قابل انتقاد تلقی شده است. در سکوت منابع تاریخ‌نگارانه، رسمی و حتی سیاسی در مواجهه با این مسئله، در متون ادبی که از منابع و سرچشمه‌های اصلی تاریخ اجتماعی ایران به شمار می‌روند این مسئله مهم دست‌مایه نقد اجتماعی قرار گرفته و به شکل قابل تأمل و توجهی در اشعار و نوشته‌های آن عصر، بازتاب یافته است. این مقاله با اتکا به متون و منابع ادبی عصر قاجار و مشروطه و تحقیقات جدید، رویکرد متون به مسئله کودک همسری را به روش توصیفی تبیینی، تحلیل و بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، متون ادبی، کودک همسری، دختران، زنان، آسیب‌شناسی.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

^۲E-mail: ghadimi.history@gmail.com

ارجاع به این مقاله: سنبلی، ندا، قدیمی، عباس، (۱۴۰۱)، کی عروسک‌باز را جامعه عروسی درخور است؛ «تأملی بر رویکرد

متون ادبی - تاریخی دوره قاجار به پدیده کودک همسری»، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز): DOI:

10.22034/PERLIT.2022.50607.3287

۱. مقدمه

پدیده مورد بررسی در این پژوهش یعنی کودک همسری، علل، آثار و نتایج آن که امروزه به عنوان یک مسئله اجتماعی در ربط با دختران و زنان مطرح شده است، پدیده‌ای مدرن و جدید نیست. این مسئله که امروزه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را متوجه خود کرده است، یک مسئله تاریخی است که می‌توان آن را موضوع یک پژوهش اصیل قرار داد. اصطلاح و مفهوم کودک همسری را می‌توان در توصیف یک وضعیت و پدیده‌ای که در مناسبات اجتماعی در ربط با دختران و مقوله ازدواج در میان طبقات مختلف جامعه ایران به اشکال مختلف وجود داشته به کار برد. این پدیده که امروزه از دید جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوق‌دانان و مدافعان حقوق زنان و کودکان به شدت مورد نقد قرار گرفته است، در ادوار مختلف تاریخی و به‌طور مشخص در ایران پیشامدرن با چنین نگاهی و رویکردی مواجه نبوده است و به دلایل مختلف می‌توان آن را امری مرسوم و رایج در مناسبات و نظام اجتماعی به شمار آورد که در بین قشرهای مختلف جامعه رایج بود. البته این را نباید به این معنا گرفت که کلیت جامعه ایرانی با آن موافق بوده و آن را تأیید می‌کرده است. هنگامی این پدیده، نگاه‌های متفاوت و انتقادی را به خود دید که در ذیل کشمکش سنت و تجدد، زن برای نخستین بار به عنوان یک عنصر مهم در جامعه به شمار آمد که نیازمند نگاه جدید و آموزش بود. در پی آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های جدید غربی برای نخستین بار روشنفکرانی چون آخوندزاده به زن به عنوان یک مسئله توجه کردند و به دنبال آن و به تدریج مسائلی در ذیل آن چون حقوق زنان، آموزش، خشونت، چندهمسری و کودک همسری مورد توجه روشنفکران و روزنامه‌های غیردولتی قرار گرفت. روشن است که توجه به مسائل زنان در تقابل با آموزه‌های سنتی ریشه‌داری قرار می‌گرفت که از سوی نهادها و شخصیت‌های قدرتمند مذهبی و سیاسی نیز حمایت می‌شد؛ اما مسائل زنان و به‌طور مشخص مسئله ازدواج زود هنگام در آثار سیاسی و ادبی عصر قاجار و مشروطه بازتاب یافت.

این مقاله پدیده کودک همسری را به عنوان یک مسئله تاریخی، در آثار ادبی این دوران به بررسی و مطالعه گذاشته است چرا که آثار و متون ادبی یکی از منابع مهم تاریخ اجتماعی ایران به شمار می‌روند. به همین جهت در صدد است تا رویکرد صاحبان این آثار را به این پدیده که نویسندگان، شاعران و متفکران نامداری هم بوده‌اند، کشف کند و چند و چون آن را به توصیف و تبیین بگذارد. درباره پیشینه این تحقیق قابل ذکر است مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته و ما بدان‌ها دسترسی داشته‌ایم نشان می‌دهد که مقاله یا کتابی با موضوع پژوهش حاضر منتشر نشده است. یک مقاله با

عنوان «بررسی جایگاه زنان در اشعار معجز شبستری و سید اشرف گیلانی» نوشته زیبا اسماعیلی (۱۴۰۰: ۵۲-۳۱) به صورت خلاصه و در کنار آموزش زنان، مشاغل زنان و سایر مسائل در نهایت به ازدواج آنان اشاره کرده و در ذیل آن نمونه‌ای آورده که به داشتن تناسب سنی بین زن و مرد اشاره دارد. سعید حاتمی و پروانه صفایی قهفرخ هم در مقاله «مقام زن در شعر لاهوتی، ایرج و عارف» در کنار سایر مسائل مربوط به زنان، به مسئله ازدواج نیز پرداخته‌اند (۱۳۹۱: ۸۰-۶۵)؛ اما چنان‌که گفته شد پدیده کودک‌همسری در متون و آثار ادبی عصر قاجار موضوع هیچ پژوهشی نبوده است.

۲. بحثی در مفاهیم

۲.۱. کودک و کودک‌همسری

کودک‌همسری پدیده‌ای است فرهنگی و مقصود ما از کودک‌همسری بیشتر متوجه دختران کم‌سن‌وسال است. در تعریفی که یونیسف از کودک‌همسری ارائه کرده «به هر ازدواج رسمی یا غیررسمی بین یک کودک زیر ۱۸ سال و یک بزرگ‌سال یا کودک اطلاق می‌شود» (<https://www.unicef.org/protection/child-marriage>). در این نوع ازدواج دختر به دلیل سن پایین هنوز از قوه تشخیص برخوردار نیست و به سبب غلبه فرهنگ پدرسالاری در جامعه ایرانی، در واقع انتخاب زوج توسط ولی و سرپرست انجام می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت اگرچه ازدواج باید با رضایت طرفین و با توجه به علائق آن‌ها صورت گیرد اما در حقیقت در این نوع ازدواج نه تنها علائق و اولویت‌های دختر مدنظر قرار نمی‌گیرد بلکه از تمایل یا عدم تمایل وی به این امر نیز سؤال نمی‌شود. حتی آن‌گونه که مطالعات نشان می‌دهد دختر اطلاعی از مراسم ازدواجش ندارد و همسرش را قبل از ازدواج نمی‌بیند و تنها هنگامی که بر سر سفره عقد می‌نشیند داماد را می‌بیند. در بیشتر مواقع داماد کسی است که پدر خانواده و یا ولی او انتخاب کرده است و برای موجه و مشروع جلوه دادن عمل خود، از فتوا و اجازه علما استفاده می‌کند (معجز شبستری، بی‌تا: ۱۷، ۷۹). این روش متناسب با سنت‌های جوامع پیشامدرن بود. چراکه ویژگی غالب ازدواج در جوامع پیشاصنعتی عدم توجه به علائق شخصی زوجین و در واقع ازدواج پیمانی میان دو خانواده و دو دودمان بود (کرون، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

در تعریف واژه «کودک» نهادها و قوانین مختلف تعاریف گوناگونی ارائه می‌دهند. واژه کودک معادل «طفل»، «رضیع»، «صغیر» و «صبی» است (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۳۶). علما و فقهای اسلامی ادوار مرتبط با کودکی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: از ولادت تا هفت‌سالگی (صبی)

غیر ممیز)، از هفت سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز) و از سن بلوغ به بعد که شخص دارای مسئولیت کامل است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۲۱)؛ بنابراین کودک در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد و قدرت تمییز نداشته باشد. تمییز قدرت تشخیص خوب از بد است (اسدی، ۱۳۸۶: ۷). همچنین آن را مترادف صغیر و بلوغ را معیاری برای سنجش کودکی برمی‌شمارند. برخی دیگر نیز رشد عقلی را مرز میان کودکی و غیر آن می‌دانند (همو: ۳۶). به استناد ادله فقهی همچون آیه ۶۷ سوره غافر^۱، به شخص از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که به حد بلوغ برسد، «کودک» اطلاق می‌شود؛ اما بلوغ که بلوغ نکاح را در برمی‌گیرد در کتب تفسیری به سنی اطلاق می‌شود که استعداد و آمادگی ازدواج در فرد حاصل می‌شود (شکری، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در اصطلاح حقوقی، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن برای زندگی اجتماعی به نمو جسمی و روحی لازم نرسیده باشد. از نظر حقوقی نیز دوران کودکی با تولد آغاز می‌شود (عبادی، ۱۳۹۲: ۵-۶). پایان دوره کودکی طبق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران که تحت تأثیر مستقیم فقه امامیه است، سن بلوغ دانسته شده که در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است (عبادی، ۱۳۹۲: ۹؛ عباسی سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۲۸).

در جامعه‌شناسی در تعریف کودکی، اشتراک نظری وجود ندارد و در نتیجه، تلاش‌ها برای فراهم آوردن برداشتی از کودکان و دوران کودکی در جوامع مختلف با مشکلات بسیاری روبرو بوده است (شبان، ۱۳۹۶: ۴۰). این امر از آنجا ناشی می‌شود که دوران زندگی انسان‌ها را به نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری تقسیم می‌کنند؛ اما می‌توان گفت برای کسانی که در جوامع امروزی زندگی می‌کنند، کودکی یک مرحله آشکار و مشخص از زندگی است که با دوره نوزادی و نوباوگی متمایز است. در حقیقت کودکی مرحله مابین طفولیت و نوجوانی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۱۰). از نظر روان‌شناسان دوران کودکی به سه دوره تقسیم می‌شود دوران کودکی از بدو تولد تا ۶ سالگی، دوران بچگی از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوران بلوغ از ۱۲ تا ۱۸ سالگی (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۱۱۵). کنوانسیون حقوق کودکان «به هر انسان زیر هجده سال کودک اطلاق» می‌کند، «مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده باشد» (convention (on the rights of the child (20 november 1989) (un.org)).

۲.۲. کودک و کودک همسری در دوره قاجار

گفتیم که توافقی بر سر سن کودکی وجود ندارد. در بررسی دوران کودکی از منظر تاریخی نیز همین آشفتگی به چشم می‌خورد. در حقیقت اولین پژوهش‌ها در حوزه تاریخ کودکی در سال ۱۹۶۰م. / ۱۳۳۹ توسط فیلیپ آریه مورخ فرانسوی صورت گرفت. به عقیده او در کتاب کودکان و زندگی خانوادگی در دوران باستان «کودکی زاییده دوران مدرن است و قبل از آن کودکان جز بزرگسالانی کوچک نبودند» (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۳: ۶۲). آن گونه که استیرنس اشاره می‌کند دوران کودکی از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک دوره زمانی به دوره‌ای دیگر متفاوت است (استیرنس، ۱۳۸۸: ۱۲). در ایران عدم بیان محدوده سن کودکی و سن ازدواج تا دوره قاجار و آشنایی با غرب و ورود مؤلفه‌های مدرنیته ادامه داشت و تعریف پذیرفته شده، تفسیر علمای دینی بود که عرف عامه نیز مطابق آن عمل می‌کرد. طبق آن پایان سن کودکی در دختران نه سال و در پسران ۱۵ سال بود و زیر این سن صغیر به شمار می‌آمدند. تعریف سال‌شمار از کودکی سبب می‌شد که دوران کودکی دختران کمتر از پسران باشد (حاتمی، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۴). نکته قابل توجه دیگر آن بود که با ورود دختران به نه سالگی از لحاظ شرعی پذیرفتنی بود که وی را به مردی با هر سن و سالی شوهر داد. سرپرست خانواده نیز از آن جهت که «از حق منحصر به فرد و بی چون و چرایی برخوردار بود»، اجراکننده اصلی آن بود. بررسی‌های انجام شده در زمینه حدود سن کودکی و ازدواج در متون ادبی دوره قاجار نشان می‌دهد که آن‌ها نیز به آشفتگی متون تاریخی دچارند. در ادامه به بررسی متون ادبی سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم تا محدوده سنی کودکی و ازدواج را از نگاه آنان به دست دهیم.

آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی در هشت بهشت حد بلوغ و تکلیف زن و مرد را «عدد هو» نوشته‌اند که یازده سالگی است (کرمانی، ۲۰۰۲: ۱۴۵). طالبوف در کتاب *مسائل الحیات*، هنگامی که در باب حق صحبت می‌کند از حدود سنی نام برده که به ما در تعیین سن کودکی کمک می‌رساند: «حق از روز تولد تا هنگام وفات با خود آدم تولید و... بدیهی است حق طفل رضیع فقط شیر خواستن و طفل پنج ساله، غذا خواستن و هیجده ساله تبعیت جمیع احکام شرع قانون در صورت تمرد، مستوجب تنبیه است» (طالبوف، ۱۳۲۴: ۷۴-۷۳). از این نوشته استنباط می‌شود که از دید طالبوف سنین کودکی حدفاصل تولد تا هیجده سالگی شمرده می‌شد. اعتصام الملک در *تربیت نسوان* که در سال ۱۳۱۸ق. نوشته است، در بیان تحصیل دختران سنی ارائه می‌کند که با توجه به آن می‌توان به این نتیجه رسید که در آن زمان ده سالگی سن آموزش دختران به شمار می‌آمده؛ هر چند پیش از آن

برای مثال هشت‌سالگی را سن ازدواج دانسته‌اند. «یاد دارم، پدری را با دختری ده‌ساله که جمالی به کمال داشت، بدیدم؛ و از پدر درخواست کردم که دختر خویش به مدرسه گذارد» (مستوفی، ۱۳۱۸: ۱۶). در کتاب *تأدیبات‌النسوان* که متعلق به دوران ناصری است، آمده است: «طفلی که تا ده‌سالگی در دامان مادری نادان تربیت یافته و لوح مغزش مطالب ناصحیح محکوم گردیده...» شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که سن کودکی را تا ده‌سالگی می‌دانستند (کراچی، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

نجم‌الدوله در سه سفرنامه و در ذیل بررسی تعداد نفوس دارالخلافة، مرحله کودکی را از جوانی جدا کرده می‌نویسد: «پنجم عدد اطفال شیرخوار تا پنج‌ساله از ذکور و اناث، ششم عدد جوانانی که از پنج سال بزرگ‌تر باشند تا پانزده سال از ذکور و اناث» (نجم‌الدوله، ۱۳۸۴: ۱۵۴) او سن جوانی را از پنج‌سالگی تا پانزده‌سالگی دانسته است. علی‌اکبر صابر نیز در *هوپ‌هوپ‌نامه* و در شعر «بختیار» پانزده‌سالگی را سن جوانی پسر معرفی کرده و به احتمال زیاد قبل از آن را کودکی به شمار آورده است (صابر، ۱۹۷۷: ۱۴۶). در احصائیه‌های باقی‌مانده از دوره قاجار، در خصوص مالیات پرداختی آمده است: «هر رعیتی که زن ندارد و از سن ۱۵ سال که گذشت باید سالی ۵ ریال پردازد» (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۱۵۹). از این نوشته می‌توان چنین برآورد کرد که سن رجولیت برای پسران ۱۵ سال بوده است. می‌توان چنین برداشت کرد که دختران پایین‌تر از این سن بالغ شمرده می‌شدند. درباره سن بلوغ و ازدواج، سید اشرف قزوینی شعری دارد با عنوان «عاشق بی‌پول» در این شعر سن دختری را که برای ازدواج مناسب بوده، چهارده سال ذکر کرده است؛ از این امر می‌توان نتیجه گرفت که در دوره او سن مناسب ازدواج برای دختران ۱۴ سالگی بوده است (قزوینی، ۱۳۳۸: ۹۳). عارف قزوینی در توضیح طایفه مراغه‌ای‌های قزوین می‌نویسد: آن‌ها بلوغ را برای پسران هیجده و برای دختران پانزده می‌دانند (عارف قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۳۳). این سن در اوایل دوره قاجار بر اساس آنچه در کتاب *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی* آمده، پایین‌تر است. نویسنده اشاره کرده که پدرش در سن هفده‌سالگی ازدواج کرده است (موریه، ۱۳۵۴: ۲۸). اگر سن ازدواج پسران هفده‌سالگی باشد می‌توان گفت سن ازدواج دختران مسلماً کمتر بوده است.

با توجه به این که در چهارده دوره سرشماری از نفوس شهر طهران که تا قبل از سال ۱۳۱۱ ش. صورت گرفته (سعدوندیان، ۱۳۸۰: ۳۳۱) هیچ اشاره‌ای به سن دقیق کودکی نشده است، پس تمام آنچه ما از سن کودکی در دوره قاجار داریم محدود به اشاراتی جسته‌و‌گریخته است که در لابه‌لای متون ادبی و سیاسی به یادگار مانده است.

در تحلیل این داده‌ها می‌توان گفت هم‌زمان با ورود مؤلفه‌های جدید فرهنگی و آشنایی با غرب و گذار از دنیای سنت و ورود به دنیای مدرن در محدوده سن کودکی و سن ازدواج تغییراتی ایجاد شد و از اواخر دوره قاجار سن کودکی و سن ازدواج افزایش یافت. هرچند این امر بیشتر در بین طبقات فرادست دیده می‌شود تا مردم عادی و طبقه فرودست. همان‌گونه که اشاره کردیم سن ازدواج در دوره قاجار بسیار پایین بود. دختران اغلب در سن هفت تا سیزده سالگی ازدواج می‌کردند و سعادت‌مندترین دختران، آن‌هایی بودند که در خانه شوهر به بلوغ می‌رسیدند (دلریش، ۱۳۷۵: ۲۲) و بسیاری ازدواج‌ها حتی پیش از سن بلوغ انجام می‌شد (دروویل، ۱۳۸۷: ۷۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۵۵۵؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۱۲؛ تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۲۶؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۶؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۲؛ رایس، ۱۳۸۳: ۱۰۲). این امر در پیش از دوره قاجار و در دوره صفویه نیز وجود داشته است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱/۱۲۴؛ تکتاندرفن، ۱۳۵۱: ۳۴؛ تاورنیه، ۱۳۸۳: ۳۱۵؛ جملی‌کاری، ۱۳۸۳: ۱۵۵). ناگفته نماند که این مسئله تنها به ایران محدود نبوده و در کشورهای دیگر نیز وجود داشته از جمله در عثمانی نیز این رسم وجود داشته چنان‌که نمونه آن در کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی خواندنی است (موریه، ۱۳۵۴: ۶۴۷).

۳. بحث و تحلیل

از آنجا که منابع تاریخی دوره قاجار به دلیل غلبه نگاه سیاسی و مردسالارانه توجهی به زنان و مسائل آنان نداشته‌اند، ناگزیر برای ارائه تصویری از زن ایرانی و به‌ویژه در بررسی پدیده کودک‌همسری که در آن کودکان به‌طور ناگهانی وارد دنیای بزرگ‌سالی می‌شوند و شناخت مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه‌اند، نیازمند مطالعات دقیق در متون ادبی هستیم. در ادامه رویکرد متون ادبی سیاسی به کودک‌همسری و عوامل و پیامدهایی را که متون ادبی برای این پدیده بیان کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳.۱. ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی

مطالعات نشان می‌دهد ازدواج کودکان ریشه در شیوه‌های اجتماعی فرهنگی و باورهای مذهبی در بسیاری از جوامع دارد، اما فراتر از حقایق تلطیف‌شده، روابط بین مذهب و ازدواج کودکان پیچیده است و بسته به جامعه تغییر می‌کند (parsons and others, 2015: 13). ارزش‌های اجتماعی شامل سنت‌ها، آداب و رسوم حاکم بر جامعه می‌شود. ما در اینجا سنت‌ها و باورهای مذهبی را از

یکدیگر جدا کرده‌ایم؛ اگرچه عقیده بر آن است که در برخی مسائل هم‌پوشانی دارند اما نویسندگان مقاله به جدایی سنت و باورهای مذهبی معتقدند.

۳. ۱. ۱. فقدان استقلال و انفعال دختران در ازدواج

آنچه از متون ادبی به دست می‌آید نشان می‌دهد یکی از سنت‌های رایج با گستردگی زیاد و ریشه‌دار در جامعه دوره قاجار عدم دخالت دختران در امر ازدواج و عدم ملاقات (هم برای پسر و هم برای دختر) بود. ازدواج اگرچه می‌بایست امری شخصی تلقی می‌شد اما امری خانوادگی بود و این خانواده‌ها و بیشتر پدرها بودند که تصمیم‌گیرندگان اصلی بودند. این امر سبب می‌شد که زنان و دختران، حتی در صورت عدم رضایت، در امر ازدواج دخالتی نداشته باشند. در این ازدواج‌های اجباری، پدر و مادر و سایر بزرگ‌ترها، دختر را با اجبار و فشار به همسری مردی هم‌سن‌وسال پدر بزرگش درمی‌آوردند این در حالی بود که دختر هنوز نمی‌دانست چه اتفاقی برایش افتاده است. فتحعلی آخوندزاده (۱۸۷۸/۱۲۹۵-۱۸۱۲/۱۲۲۸) روشنفکر و منتقد سیاست و ادبیات عصر قاجار در تمثیلاتش که شامل شش نمایشنامه و یک داستان است و به مسائل اجتماعی و به‌خصوص به مسئله زنان توجه ویژه‌ای دارد، به این مسئله نیز پرداخته است. یکی از مسائلی که در این نمایشنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته مسئله ازدواج اجباری و عدم دخالت دختران در ازدواج است. آخوندزاده در «حکایت خرس قولدورباسان (دزدافکن) (۱۲۶۸ق.)» به انتقاد از این امر می‌پردازد. پریزاد دختر داستان آخوندزاده پدرش فوت کرده و عمویش برای تصاحب گله‌های پدر پریزاد، می‌خواهد او را برای پسر خود عقد کند؛ اما پریزاد شخص دیگری را دوست دارد ولی نمی‌تواند بازگو کند و با گفتن این که «اختیار هر دو (خود و مادرش) در دست عموم هست» تسلیم شده اما در نهایت او با شخصی که دوست دارد ازدواج می‌کند (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۹۲). همچنین در همین داستان آورده است که کسی به میل دختر توجه ندارد و خواهش او اثری ندارد؛ «از اول کمی آخ‌واوخ می‌نماید و بعد ناچار شده تن به قضا می‌دهد» (همو: ۹۸-۹۷). این مسئله در نگاه آخوندزاده اهمیت زیادی داشته زیرا در سایر نمایشنامه‌ها از جمله «وکلاهی مرافعه» نیز به این مطلب اشاره دارد و در طی داستان می‌خواهد خواننده را به این امر آگاه سازد که دختران باید در امر ازدواج اختیار و دخالت داشته باشند. آنجا که دختر داستان، «سکینه خانم»، می‌گوید: «حالا که برادرش مرده اختیارش به دست

خودش است» (همو: ۲۵۲). در همین داستان «سکینه خانم» بار دیگر به عمه‌اش که می‌خواهد او را به همسری آقا حسن که مرد تاجر متمولی است درآورد، می‌گوید که اختیارش با خودش است. همچنین موضوع دیگری که در این قسمت از نمایشنامه مورد توجه قرار گرفته اشاره به اعتقاد عمومی است که لزومی بر دخالت دختران در ازدواج نیست و دیگران تصمیم می‌گرفتند که او با چه کسی ازدواج کند.

«عمه، من کی به تو اذن دادم مرا به آقا حسن شوهر بکنی، من حالا دیگر نه پدر دارم نه برادر، خودم وکیل خودم... عمه: خجالت بکش به تو چه! برای تو شوهر لازم است. به هر کی می‌دهند تو هم می‌روی. دختر بچه زبینه نیست پیش بزرگشان همچو حرف بزنند قباحه دارد» (همو: ۲۵۶). نکته‌ای که در پایان صحبت عمه آمده این است که سکینه را دختر بچه خطاب می‌کند در حالی که می‌خواهد او را به ازدواج مردی بسیار بزرگ‌تر از خودش درآورد. سکینه خانم ادامه می‌دهد که «دیگر اختیار خودم را از دست نمی‌دهم هیچ کس نمی‌تواند مرا به شوهر بدهد» (همو: ۲۵۷).

میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر «شاعر بزرگ ملی آذربایجان قفقاز، سراینده فکاهیات اجتماعی انقلابی و همکار دائمی روزنامه ملانصرالدین» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۴۶/۲) در هوب هوب نامه شعری دارد که از سنت ازدواج دختران انتقاد می‌کند. شعر از زبان دختر بچه‌ای است که بعد از دیدن به اصطلاح شوهرش تمایلی به زندگی با وی ندارد:

خاندوستی! امان، نذار که آمد!

هست آفت جان، نذار که آمد!...

در عقد شرم کردم آخر، گفتید پسر است، گشت باور.

حالا دیدم که چیست شوهر...

گوشت بدنم تکیه از ترس،

خون از دل من چکید از ترس، ...

دارد به سرش کلاه گنده، ابروش سفیده و بلنده،

هم سن پدر بزرگ بنده

غول است امان نذار که آمد، ...

وحشت کنم اوست دیومنظر... (صابر، ۱۹۷۷: ۱۶۴-۱۶۳).

آنچه از این شعر به دست می‌آید شامل بی‌اطلاعی دختران از ازدواج تا زمان عقد، عدم ملاقات با خواستگار پیش از ازدواج و تأثیرات روحی و روانی این گونه ازدواج‌هاست. گاهی عروس به اندازه‌ای کم‌سن‌وسال بود که برای قانع کردن او از «نخود کشمش» استفاده می‌کردند. چنانچه معجز شبستری در شعرش سعی کرده با استفاده از عباراتی نشان دهد که عروس سن بسیار کمی داشته است که برای راضی کردنش از وعده‌های کودکانه استفاده می‌کردند.

قیزی قوجاقه آلیب قینه دیهر کیش کیش
و دولدوروب جیبینه بالدیزی نخود کشمش
نه کیش کشه، نه نخود کیشمشه باخیر بی فهم
آیاقلارین یره تاپدیر دیبر که من گیدیرم!

نکته قابل تأمل در اشعار معجز شبستری این است که از دید او مادران تأثیر زیادی در ازدواج دختران در سنین پایین داشته‌اند (معجز شبستری، بی تا: ۷۹-۷۸).

ایرج میرزا (۱۲۹۱ق.-۱۳۴۴ق./۱۳۰۴ش) نیز از جمله کسانی است که به این سنت که دختر و پسر قبل از ازدواج یکدیگر را نمی‌دیدند انتقاد می‌کند و در پوششی از طنز این گونه ازدواج‌ها را به خربزه و هندوانه تشبیه کرده و معتقد است که طرفین باید قبل از ازدواج با یکدیگر ملاقات داشته باشند.

خدایا کی شوندا این خلق خسته
از این عقد و نکاح چشم بسته
بگیری زن ندیده روی او را
بری، ناآزموده خوی او را
چو عصمت باشد از دیدار مانع
دگر بسته به اقبال است و طالع
بدان صورت که با تعریف بقال
خریداری کنی خربوزه کال
و یا در خانه آری هندوانه
ندانسته که شیرین است یا نه (ایرج میرزا،

۱۳۵۳: ۸۵)

عالم تاج قائم مقامی متخلص به ژاله (۱۳۰۱ق.-۱۳۲۶ش.) از شاعران دوره قاجار و پهلوی از دیگر روشنفکران ادبی است که به این مسئله اعتراض کرده و در شعری که بیانگر زندگی خود اوست به انتقاد از آن پرداخته است. از آن جهت که ژاله نیز در ۱۵ سالگی بدون این که اطلاع و دخالتی داشته باشد به ازدواج مردی ۴۳ ساله که دوست پدرش بود درمی‌آید (قائم مقامی، ۱۳۷۴: ۶-۵). او از این ازدواج رضایتی نداشت.

نگه ندار عورت کفتار را
ولش بکن نکبت ادبار را
عقد بکن یک بت دلدار را» (صابر، ۱۹۷۷: ۱۳۸).

در حقیقت پیر شدن زنان را یکی از دلایل ازدواج با دختران کم سن و سال دانسته است. علاوه بر این در شعر گاوور قیزی (دختر گبر، دختر بی دین و کافر) نیز آورده:

بیچاره و ذلیل شدم ملانصرالدین!
کرده پکر، کلافه ام عورت - گاوور قیزی!...
زاییده چهار بچه، شده پیر و اکبیری،
کفتار پیر گشته و نکبت، گاوور قیزی! (همو):

(۱۵۶)

سید اشرف‌الدین قزوینی (۱۲۸۷ق.-۱۳۵۲ق.) معروف‌ترین و محبوب‌ترین شاعر عصر مشروطیت در شعری با مضمون مشورت گرفتن دوستش از او برای ازدواج، چنین می‌گوید:

بود عمر من از هفتاد افزون
بفرما زن بگیرم یا نگیرم؟
مرا باشد زن پیری به خانه
به ریشم می‌زند هر صبح شانه
ولی می‌گیرد از بهرم بهانه» (قزوینی، ۱۳۳۸: ۳۵-۳۶)

در این شعر پیری و بهانه‌گیری همسر دلیلی برای ازدواج مجدد آن‌هم با یک دختر جوان ذکر شده است. سید اشرف در جواب به طنز می‌گوید:

فال تو خوب آمده دنبال کن
رو به سوی خانه دلاله کن
فکر یکی دختر نه‌ساله کن» (همو: ۳۶)

در ادامه با اشاره به سن دوستش منتقد رفتار او در این سن و سال است:

عمر تو هفتاد بود در جهان
ارواح بابات تو جوانی جوان ...

پیر شدی پیر حیا کن حیا» (همانجا)

قزوینی معتقد است که با کهولت سن دیگر وقت ازدواج مجدد، آن‌هم با دختری جوان نیست.

معجز شبستری نیز در اشعارش به این موضوع اشاره کرده است. وی در یکی از اشعارش می‌آورد چون جوانی تکذبان به پایان رسیده به این فکر افتادم که با یک نونهال زندگی کنم (معجز شبستری، بی تا، ۱۶). انجام چنین کاری از نظر معجز شبستری از سر شهوت و زائل بودن عقل است. همچنین در شعر «عمه» (معجز شبستری، بی تا: ۲۰۸) از زبان زنی که شوهرش برای کار به استانبول رفته و به دلیل بسته شدن مرز هنوز برنگشته است، بیان می‌کند:

می‌دانم اگر آن بی‌وفا برگردد می‌گویم تو پیر شدی و زن جوانی خواهد گرفت

۳.۳. پیشکش و نقش آن در عقد دختران کم‌سن

پیشکش دادن به عاقد که اجازه عقد دختران خردسال را بدهد یکی از شگردها و راهکارهای به ازدواج درآوردن دختران خردسال بود که شعرا و ادبا به آن توجه کرده‌اند. در برخی سفرنامه‌ها نیز به آن اشاره شده است که خانواده‌ها دختران خود را با دادن رشوه به عاقد قبل از سن بلوغ و در سن هفت سالگی به خانه شوهر می‌فرستاده‌اند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۱ تا ۱۴۵).

معجز شبستری در شعر «عاشق پریشان» نیز به این موضوع این بار از زبان زن داستان اشاره کرده و در پایان به شدت از این رسم که با رشوه جاری می‌شود انتقاد می‌کند (معجز شبستری، بی تا: ۲۰-۱۹؛ ر.ک به همو: ۷۹). در باب هفتم کتاب «کاداستره» نوشته اعتمادالسلطنه که لغتی فرانسوی و به معنای «ممیزی املاک و ارضی و تخمین حاصل و تعداد نفوس آن و مأخذ مالیات» است، «در بیان تکالیف عمومی پیش‌نمازان و رؤسای سایر ملل و کدخدایان محلات و ریش سفیدان و...» آمده که «هیچ پیش‌نمازی نباید بدون اجازه اداره تحریریه صیغه عقد دائمی یا صیغه‌ای که مدت آن زیاده از یک ماه باشد جاری نماید...». در فصل دوم همین باب نوشته شده که کدخدایان محلات در امر مزاحمت‌ها باید تحقیقات به عمل آورده؛ اگر مانع شرعی در پیش نباشد، اسم زوج و زوجه و پدر آن‌ها را یا عدد عمومی دفتر آن‌ها نوشته به مهر رسمی محله مختوم نموده، به داماد یا وکیل او داده که به اداره تحریریه برساند و اجازه‌نامه بگیرد» (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۱۲۵). باین حال می‌بینیم که با رشوه و پیشکش دختران خردسال را بزرگ‌سال جلوه می‌دادند تا بتوانند آن‌ها را به ازدواج درآورند.

۳.۴. تعدد زوجات و کودکان همسری

در بیشتر منابع دوره قاجار اشاره شده است که ایرانیان مانند سایر اهالی مشرق زمین همسران متعددی می‌گیرند و تعدد زوجات در بین آن‌ها رواج کامل دارد (دروویل، ۱۳۸۷: ۷۱؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۶؛ پاتینجر، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۵). ملکم نیز در این باره می‌نویسد: «هر کس به اقتضای معیشت، هر قدر که

بخواهد می‌تواند» (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۴۰). در نتیجه وجود انواع ازدواج‌ها در ایران از عقد دائم که معمول‌ترین نوع آن بود، تا ازدواج موقت و صیغه سبب ایجاد حرم‌سرای‌های کوچک و بزرگ می‌شد که مربوط به طبقات مرفه بود. رواج این امر در بین طبقات فرودست از نظر محققان برای دست یافتن به نیروی کار ارزان از طریق افزایش فرزندان بوده است (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۲۹). چندهمسری از آن جهت که در نظر نویسندگان این مقاله یکی از عوامل اساسی کودک‌همسری شمرده می‌شود نیز مورد بررسی قرار گرفته است. متون ادبی نیز بر این مدعا صحه می‌گذارند. آنچه از بررسی متون ادبی دوره قاجار به دست آمده، نشان می‌دهد تعدد زوجات به عنوان یک رسم و سنت متداول و رایج در آن دوره وجود داشته است و متون ادبی به دیده انتقاد در آن نگریده‌اند. اگرچه کودک‌همسری خود پیامد چندهمسری است؛ چندهمسری نیز دلایلی دارد که در متون ادبی و اشعار شعرا بازتاب یافته است.

آخوندزاده مترقی‌ترین افکار را در حیطه آزادی زنان، الغای تعدد زوجات و برابری حقوق اجتماعی زن و مرد داشت (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۴۳). او درباره مسئله تعدد زوجات نوشته است: «خردمندان جهان، زنان را در جمیع حقوق بشریت و آزادیت با مردان شریک شمرده‌اند... و اگر فی‌مابین حکما مسئله مساوات حقوقیه ذکوراً و اناثاً مجمع‌علیه است، کثرت زوجات منافی مسئله مساوات است.» او همچنین عقیده داشت کثرت زوجات باید منسوخ شود و «تزییح منحصر به وحدت زوجه بکنند» (آخوندزاده، ۱۳۹۹: ۱۷۷). در مقایسه بین ایران و جامعه جهانی از نگاه او این مسئله از آنجاکه منافی مسئله مساوات است نباید صورت بگیرد.

طالبوف نیز در *مسالك المحسنين* به نقد تعدد زوجات و چندهمسری به‌ویژه در بین پادشاهان پرداخته است. آنجا که پادشاه ایران از سفیر انگلیس می‌پرسد «پادشاه شما چند زن دارد؟» و او پاسخ می‌دهد که «در انگلستان پادشاه فقط باید یک ملکه داشته باشد. تعدد ازواج از طرف مبعوثین ملت مجاز نیست» (طالبوف، بی تا: ۱۶۷). در حقیقت او از طریق مقایسه پادشاهان شرق و غرب به انتقاد از مسئله تعدد زوجات می‌پردازد.

از جمله کسانی که به این مسئله در جای‌جای اشعارش با نگاهی انتقادی و کنایی به آن پرداخته، صابر است. او این مسئله را در چند شعر خود بیان کرده است. در شعر «نصیحت ننه پیره به دخترها» از زبان پیرزن این نکته را متذکر می‌شود که مردها معمولاً سه تا چهار زن می‌گیرند و نسبت به زنان وفادار نیستند:

غافل مشو از شوهر بدطینت و گوهر،
گگیرد سه زن و چار...
وقتی که شدی پیر، بگیرد دگر عورت،
وقعت نگذارد» (صابر، ۱۹۷۷: ۴۵)
دهخدا نیز در «چرند و پرند» به انتقاد از این رسم پرداخته و در داستان «قند رون» که شرح ازدواج
«آخوند ملا عباس» است، آورده:

«... غرور و جوانی حاجی شیخ و هفتصد هشتصد تومان شخصی و جهیز زن، حاجی آقا را به حال
خود نگذاشت. حاجی آقا بعد از ده بیست روز یک زن محرمانه صیغه کرد. بعد از چند ماه هم یک
زن دیگر عقد نمود. سر سال باز یک زن دیگر را آب توبه سرش ریخته متعه نمود. الان حاجی آقا...
چهار زن حلال خدایی دارد، گذشته از لفت و لیس‌هایی که در حجره رفقا می‌کند» (دهخدا، بی‌تا:
۱۱۲). شایان ذکر است که این موضوع را می‌توان در بحث علل اقتصادی تعدد زوجات نیز بررسی
کرد.

ژاله در یکی از اشعار خود در نقد رسم تعدد زوجات به استناد به آیه قرآنی در سوره نساء
سروده است:

آیت «مثنی ثلاث» ار هست و «إن خفتم»
آیت لن تستطیعوا نیز فرمان خداست (قائم‌مقامی،
ز بی ۱۳۷۴: ۶۴).

بنابراین ژاله با تأکید بر رعایت حقوق زنان، برقراری عدالت در رسم تعدد زوجات را امری
محال می‌داند.

تحلیل متون ادبی دوره قاجار نشان می‌دهد مهم‌ترین علت کودک‌همسری از دید آن‌ها؛ ریشه‌دار
بودن سنت در بین مردم بوده است. این در حالی است که امروزه شورای بین‌المللی پژوهش درباره
زنان در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که کودک‌همسری یا ازدواج کودکان در مناطق و کشورهایی از
جهان که فقیر هستند، رایج است و «حتی بدون این که سطح اقتصادی کشورها در سطح کلان را
مدنظر قرار دهیم، در مناطقی متمرکز است که خانواده‌های فقیر در آن سکونت دارند» (اسدپور و
دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۷۰)؛ اما در دنیای سنت و در دوره گذار عوامل اجتماعی مهم‌ترین و بیشترین
تأثیر را در این امر داشته‌اند.

۳. ۵. اهداف و اغراض اقتصادی کودک‌همسری

اهداف اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل کودک‌همسری شمرده می‌شود. این اهداف ممکن بود از
سوی هر دو خانواده مورد توجه قرار بگیرد. به عبارت دیگر ممکن بود که افراد مسن به دنبال دختران

کم سن و سالی باشند که ارثیه زیادی به آن‌ها رسیده است یا برعکس اجازه ازدواج دختر بچه‌ای را با مردی مسن تنها به دلیل ثروتمند بودن صادر کنند. نمونه مورد اول در کتاب تمثیلات آخوندزاده آمده است. وی در داستان «وکلای مرافعه» اصلی‌ترین علت خواستگاری «آقا حسن» از «سکینه خانم» را ارثی می‌داند که از برادرش به او می‌رسد (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۲۵۹). از نمونه‌های دیگر که ثروت دختر سبب طمع افراد مسن بود، داستان «قند رون» دهخدا در چرند و پرند است. حاجی آقا به همه دوستان و آشنایان سپرده بود که اگر «باکره جمیله متموله‌ای» یافتند به او اطلاع دهند. پس از آن بقال محل دختر یتیمی را پیدا می‌کند که پدرش تاجر بوده و با وجود کمی سن خوشگل است و وصلت بدی نیست. «حاجی آقا دنبال مطلب را گرفت تا وقتی که دختر یازده ساله را با پانصد تومان جهاز به خانه آورد» (دهخدا، بی تا: ۱۱۲). مورد غالب یعنی ازدواج دختر بچه با مردی مسن تنها به دلیل ثروتمند بودن او، در شعر معجز بازتاب یافته است. او به دختران گوش زد می‌کند که فریب ثروت آن اشخاص را نخورند. او زندگی با یک فرد مسن را مانند مرگ خیلی تلخ می‌داند.

جلال سلطنت آلداتماسین سنی ای قیز
ئولوم کیمی آجیدر آغ ساقالین
یاشاماق

(معجز شبستری، بی تا، ۱۶).

شواهد تاریخی گواهی می‌دهند که این امر نه تنها در بین خانواده‌های فقیر بلکه در طبقات ثروتمند نیز رایج بوده است. از نمونه‌های آن ازدواج دختر دوازده ساله فروغ‌الدوله (ملکه ایران) با پسر قوام‌الدوله می‌باشد که «پنج شش همسر و پنج شش فرزند بزرگ» داشته است. اعتمادالسلطنه علت آن را «پول زیاد و آسودگی خیال» می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۰۴۷). این امر در خانواده‌های دیگر شکل دیگری داشت. چون خانواده‌ها از عهده هزینه‌های فرزندان بر نمی‌آمدند به این فکر می‌افتادند که دختران را به افراد ثروتمند در هر سن و سالی که باشد به همسری دهند. سید اشرف‌الدین قزوینی نیز به این مسئله در شعرش توجه دارد. برای نمونه در «فخریه یک پیرمرد ثروتمند» علت گرفتن همسر زیاد را ثروت او دانسته است (قزوینی، ۱۳۳۸: ۱۶۹). این امر از چشم و انتقاد معجز شبستری دور نمانده است.

تا به کی به خاطر تکه‌ای نان دختر اسیر این و آن شود (معجز شبستری، بی تا: ۶۹).

میرزاده عشقی از جمله کسانی است که در عصر مشروطه به دفاع از حقوق زنان پرداخته و با جمعیت نسوان وطن خواه نیز ارتباط داشته است. او در اشعاری چون «احتیاج» به موضوع فقر و تأثیر آن در ازدواج های نامناسب پرداخته و با آن مخالفت کرده است.

عاقبت هیزم فروش پیر سرتاپا پلید
کز زغال کننده دایم دم زدی، وز چوب بید
از میان دکه، کیسه کیسه، زر بیرون کشید
مادرش را دید و دختر را، به زورزر خرید
احتیاج آمیخت با موی سیه، ریش سفید
از تو شد این نامناسب ازدواج!
احتیاج ای احتیاج! (عشقی، ۱۳۵۷: ۳۰۴)

اهداف و اغراض اقتصادی پس از سنت و رسوم ریشه دار در بین مردم از عوامل مهمی است که سبب کودک همسری می شود. بررسی اهداف و اغراض اقتصادی نشان می دهد که این امر در بین طبقات فرادست و فرودست اجتماع کارکرد متفاوتی داشته است. در طبقات فرودست بیشتر دختران در فقر اقتصادی قرار دارند و خانواده ها برای گرفتن شیربها آنان را به ازدواج افراد مسن در می آورند. در حالی که در طبقات فرادست هر دو خانواده ثروتمند می باشند. در نتیجه این گونه ازدواج ها حاصل درهم آمیختن اهداف اقتصادی و سیاسی است.

۳.۶. «وصلتم وصلتی سیاسی بود»؛ اهداف و اغراض سیاسی کودک همسری

یکی دیگر از علت هایی که در بروز پدیده کودک همسری در دوره قاجار نقش داشت به ازدواج در آوردن دختران کم سن و سال برای کسب مقام و جایگاه بالاتر بود که اغلب به اجبار صورت می گرفت. این امر در «سرگذشت وزیر خان لنکران (۱۲۶۸ق.)» مشهود است. خان لنکران در پی آن است که به خاطر پایداری عزت و اعتبارش نسا، خواهر همسرش شعله را به ازدواج خانی مسن در آورد (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۴۹-۴۸). در جای دیگر از زبان خان می گویند: «شعله! می دانی خواهر تو را که به خان بدهیم درجه من، رتبه تو، چقدر زیادتر خواهد شد» (آخوندزاده، ۱۳۵۶: ۷۶-۷۷). از سوی دیگر می توان این داستان را نمونه ای از بی ارادگی دختران در امر ازدواج نیز به شمار آورد. از نمونه های دیگر ازدواج عالم تاج قائم مقامی شاعر دوره قاجار و پهلوی است که از مدافعان اصلی حقوق زنان بود. او در سال ۱۳۰۱ق به دنیا آمد و در ۱۵ سالگی با یکی از دوستان پدرش که چهل و

اندی سن داشت ازدواج کرد. به گفته خودش این یک ازدواج سیاسی بود و او وجه‌المصالحه گرفتاری‌های پدرش شد (قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۶-۵).

وین سیاست ز مام و اب دارم (همان: ۱۲۶)

همان‌گونه که در اهداف اقتصادی نیز بیان شد معمولاً در ازدواج‌های طبقات فرادست اهداف اقتصادی و سیاسی با هم می‌آمیختند. در اینجا نیز بدین گونه است و همسر عالم‌تاج از خان‌های بزرگ لر بود. این مسئله هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی اهمیت داشته است. عالم‌تاج نیز ازدواج زودهنگام دختران را به هر دلیل که باشد، اشتباه می‌داند و منتقد آن است و آن را شرعی و صحیح نمی‌داند و مرد را محرم نمی‌شمارد.

آن که زن را بی رضای او به زور و زور
خست نامحرم به معنی ور به صورت شوهر
خست
دختر نه ساله شوهر را چه می‌داند که
کی عروسک‌باز را جامه عروسی درخور است
چست (همان: ۱۱۳).

به اعتقاد او برای به ازدواج درآوردن دختران باید معیارهایی چون بلوغ جسمی، بلوغ فکری و عقلی او را در نظر گرفت.

۷.۳. پیامدهای کودک‌همسری

پیامدهای کودک‌همسری نیز مورد توجه متون ادبی و نویسندگان و شاعران فارسی بوده است. متون تاریخی، سفرنامه‌ها و خاطرات نیز به علل مشابه یا مختلفی از جمله رو به ضعف و نقص گذاشتن نژاد، افزایش تعداد بیوه‌ها و... اشاره کرده‌اند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۵). در ادامه پیامدهای مورد توجه در متون ادبی مورد کنکاش قرار گرفته است:

۷.۳.۱. عدم تحصیل دختران و داشتن فرزندان بی‌سواد

محققان معتقدند که «هنجارهای اجتماعی، انتظارات خانواده و در برخی موارد محدودیت‌های قانونی، دختران را مجبور می‌کند تا تحصیلات خود را پس از ازدواج پایان دهند. علاوه بر این، اغلب از دختران انتظار می‌رود که وظایف خانگی و مسئولیت‌های خانوادگی را بر عهده بگیرند که می‌تواند حضور در مدرسه را غیرممکن کند. محدود کردن تحصیل دختران تأثیرات مادام‌العمر و بین‌نسلی بر پتانسیل درآمد و استقلال مالی زنان و همچنین بر سلامت و نتایج تحصیلی فرزندان آنها دارد» (Parsons, 2015: 18-19; Arthur, 2018: 55). چنان‌که مادر بی‌سواد فرزندان بی‌سواد خواهد داشت. همین موارد در بین متون تاریخی و ادبی نمایان است. وضعیت کلی آموزش

دختران در آن دوره نشان می‌دهد که وضعیت آن‌ها نسبت به پسران بدتر بوده است. آن‌هم به آن دلیل که کار اصلی زن را تولیدمثل و ازدواج دانسته، سواد را برای او لازم نمی‌دانستند. در مکتب‌خانه‌ها دختران را تا هفت سالگی می‌پذیرفتند. پس از آن اگر بخت با آن‌ها یار بود در مکتب‌هایی با مدیریت زنان درس می‌خواندند (واتسن، ۱۳۴۰: صص ۲۱-۲۰). این امر در شعر اکثر شاعران و نویسندگان این دوره نیز به چشم می‌خورد و آنان به وجود مادرانی که سواد داشته و تحصیل کرده باشند و اثراتی که بر فرزندان دارند، تأکید می‌کنند (معجز شبستری، بی‌تا: ۶۷؛ ملک‌الشعراى بهار، ۱۳۸۷: ۴۰۰؛ مستوفی، ۱۳۱۸: ۴۶). آخوندزاده از اولین کسانی است که به مسئله آموزش دختران و زنان توجه کرده بود. او معتقد بود که «در میان طوایف اسلامیه از ده‌هزار یک نفر صاحب سواد به هم نمی‌رسند و طایفهٔ اناث بالمره از سواد بی‌بهره می‌مانند» (آخوندزاده، ۱۳۵۱: ۱۷۶). در جای دیگر وقتی که از لزوم تغییر الفبا صحبت می‌کند می‌نویسد: «... خصوصاً طایفهٔ اناث فقط به واسطهٔ این خط جدید به تحصیل سواد توانایی خواهد داشت.» او همچنین در مکتوبات خود به این مسئله توجه کرده بود (همان: ۱۷۷).

صابر (۱۹۷۷: ۳۹۹) در شعر «مادر دانا و نادان» به این پیامدها پرداخته است.

| | |
|------------------------|---------------------------|
| مادر چو بود ز علم آگاه | فرزند به معرفت برد راه |
| برعکس بود چو این مراتب | مادر نبود به علم صاحب |
| فرزند برد از او جهالت | بی‌عقلی و مهملی، عطالت... |

سید اشرف قزوینی (۱۳۳۸: ۷۸-۷۹) نیز در شعر «نصیحت یک خانم به دخترش» به علم‌آموزی دختران توجه کرده و وضعیت آن‌ها را با دختران کشورهای اروپایی مقایسه کرده بود:

| | |
|------------------------|--------------------------|
| اندر اروپا سربه‌سر | در علم و تحصیل هنر |
| زن افضل است و اقدم است | فرمود فخر کائنات |
| علم از برای مؤمنات | یار و رفیق و همدم است... |

برای تشویق مردم به آموزش دختران آن را از توصیه‌های پیامبر می‌داند. همچنین در شعری دیگر به نام «فصل بهار» به علم‌آموزی دختران تأکید و آنان را نصیحت می‌کند (قزوینی، ۱۳۳۸: ۱۴۰).

معجز شبستری در شعرش دعا می‌کند که خدا یا از تو می‌خواهم دختر جاهل در جهان نماند.

آنا جاهل، بالا جاهل، معاذالله جهالتدن گوروم یا رب جهاندا قالماسین ثولسین بیله

از نکات مورد توجه او تفاوت در ارزش اعمال در جامعه بوده است مثل این که یک دختر اگر قلیان بکشد هیچ کس کاری ندارد ولی اگر قلم به دست بگیرد هزار طعنه می‌زنند (معجز شبستری، بی تا: ۷۱). همین مضمون را در شعری دیگر این گونه بیان می‌کند که فرزند مادر جاهل بیسمارک نمی‌شود («جاهل آنانین بالاسی بیسمارک اولماز») و معتقد است زن در هر حالت باید علم بیاموزد (معجز شبستری، بی تا: ۱۵۰). وی در اشعار بسیاری به لزوم علم‌آموزی دختران تأکید دارد (همان: ۶۵، ۶۰، ۹۰، ۸۵). در نتیجه می‌توان گفت که به علت عدم رواج آموزش و ازدواج در سنین پایین بیشتر زنان و دختران از تحصیلات چندانی برخوردار نبودند.

۳.۷.۲. پیامدهای جسمی و روحی روانی

آن گونه که از منابع تاریخی و پزشکی به دست می‌آید احتمال بروز مشکلات روانی برای دختران در این گونه ازدواج‌ها بیشتر است. از جمله مشکلاتی که متون ادبی به آن‌ها اشاره دارند فرار از منزل، آسیب‌های جسمی (از آن جهت که ممکن است از همسران خود کتک بخورند) و آسیب‌های روانی‌ای همچون اضطراب و افسردگی است. از نظر روان‌شناسان و پزشکان یکی دیگر از پیامدهای کودک‌همسری، بلوغ زودرس است که خود پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال دارد (یعقوبی جویباری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۵-۶۴)؛ اما آنچه در متون ادبی به عنوان پیامدهای جسمی و روانی کودک‌همسری به دست آمده در شعر «گلین» معجز شبستری دیده می‌شود. یکی از پیامدها که معجز به آن اشاره کرده فرار دختران از خانه است؛ هنگامی که از فرار عروس کوچک داستان از خانه داماد با سر و پای برهنه می‌گوید که به خانه همسایه پدرش پناه برده است (معجز شبستری، بی تا: ۷۸). از آسیب‌های روحی و جسمی که در همین شعر اشاره شده می‌توان به چهره بسیار پژمرده، چشمانی پف کرده و دل آزرده و غمگین عروس شعر معجز شبستری پس از فرار از خانه همسرش اشاره کرد.

گیدیب گتیردی قیزی لیک خیلی پژمرده

گوزی شیشوب، سارالوب عارضی، دل آزرده

یتیم لر بوینین اییب پریشان حال

قوجاقلادیم، دیدیم: ای نونهای حزن و ملال

گفته‌های معجز نیز در علم پزشکی مورد تأیید است که ازدواج دختران در سنین پایین سلامت روان را تهدید کرده و افسردگی و اختلالات اضطرابی را افزایش می‌دهد (لطفی، ۱۳۸۹: ۷۵؛ مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۶). گزارش‌های ویشارد پزشک آمریکایی که بیست سال در ایران بوده

است نیز بر همه این موارد صحه می‌گذارد: «من دختران کم‌سالی را که به بیمارستان می‌آورده‌اند، دیده‌ام که وقتی نام همسرانشان را می‌شنیدند، از ترس این‌که دوباره مجبور به زندگی با آن‌ها باشند از وحشت چنان فریاد می‌زدند که از خود بی‌خود می‌شدند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۵).

نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً مسائل زنان در ایران تا پیش از دوره ناصری چندان اهمیتی نداشته و آن نیز به سبب نگاه مردسالارانه و تاریخ سیاسی و مذکر حاکم بوده است. در دوره ناصری و با گسترش ارتباطات با غرب و ورود مؤلفه‌های جدید فرهنگی، توجه به مسائل زنان نیز در برنامه فکری روشنفکران و از جمله روشنفکران ادبی قرار گرفت. این امر با وقوع مشروطه و باز شدن نسبی فضای سنت و آمادگی ذهنی جامعه، نمود بیشتری یافت و ادبیات ابزاری برای مبارزه و آگاهی شد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کودک همسری به عنوان بخشی از حقوق نادیده گرفته شده زنان برای روشنفکران ادبی اهمیت بسزایی یافت. چنان‌که نشان داده شد شاعران پیشرو آن عصر در بسیاری از اشعار خود به این مسئله، علل و نتایج آن پرداخته‌اند و علی‌رغم این‌که عقیده غالب این است که کودک همسری در دنیای سنت، یک امر پذیرفته شده و یک سنت تلقی می‌شده است؛ اما مخالفان خود را در همان دوران نیز داشته است. بسامد فراوانی داده‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد از نظر متون ادبی مهم‌ترین علت این مسئله مؤلفه‌های اجتماعی، سنت و ریشه‌دار بودن آن در کالبد جامعه و بی‌قانونی بوده و به دنبال آن سایر مؤلفه‌های مذهبی، اقتصادی و سیاسی قرار داشته است. نویسندگان متون، هیچ‌کدام زنان و دختران را به سکوت و پذیرش نمی‌خواند بلکه آن‌ها را تشویق می‌کنند که در دفاع از حق خود تلاش کنند و در برابر این‌گونه ازدواج‌ها مقاومت نمایند. در بیشتر نمونه‌ها زنان نقش اصلی را داشته و بیشتر متون به دفاع از حقوق زنان اشاره دارند و در پی کسب جایگاهی والاتر برای آنان بوده‌اند. در این راه برخی از نویسندگان و شاعران، منتقدانه‌تر و تندروتر با این مسئله برخورد کرده‌اند.

یادداشت‌ها

۱- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُوْتَىٰ مِنْ قَبْلِ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّىٰ وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- ۱) قرآن
- ۲) استرآبادی، بی بی خانم، (۱۳۷۱)، *معایب الرجال (در پاسخ به تأدیب النسوان)*، افسانه نجم آبادی، شیکاگو: نگرش و نکارش زن.
- ۳) استیرنس، پیتر، (۱۳۸۸)، *دوران کودکی در تاریخ جهان*، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: اختران.
- ۴) اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ۵) اورسل، ارنست، (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز به ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶) ایرج میرزا، (۱۳۵۳)، *تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او*، به اهتمام محمدجعفر محبوب، چ ۳.
- ۷) آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۹۹)، *مکتوبات (نامه‌های شاهزاده کمال‌الدوله به شاهزاده جلال‌الدوله)*، به کوشش م. مقصود، ناشر نسخه الکترونیک باشگاه ادبیات.
- ۸) آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۵۶)، *تمثیلات*، چ ۳، ترجمه محمدجعفر قراجه داغی، تهران: خوارزمی.
- ۹) آخوندزاده، فتحعلی، (۱۳۵۱)، *مقالات*، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: انتشارات آوا.
- ۱۰) آدمیت، فریدون، (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*، تهران: خوارزمی.
- ۱۱) آراین پور، یحیی، (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی*، ج ۲، چ ۵، تهران: زوار.
- ۱۲) بهار، محمدتقی، (۱۳۸۸)، *دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- ۱۳) بروگش، هنری، (۱۳۸۹)، *سفری به دربار سلطان صاحب قران*، ترجمه حسین کرد بیجه، تهران: اطلاعات.
- ۱۴) پاتینجر، هنری، (۱۳۸۴)، *سفرنامه پاتینجر*، ترجمه شاپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۱۵) پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- ۱۶) تاج السلطنه، (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۱۷) تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۳)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید شیروانی، تهران: نیلوفر.
- ۱۸) تکتاندرفن، دریابل ژرژ، (۱۳۵۱)، *ایتر پرسیکوم*، ترجمه محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۹) جملی کارری، جوانی فرانچسکو، (۱۳۸۳)، *سفرنامه کارری*، چ ۲، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰) جونز، سرهار فورد، (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.

مقاله علمی- پژوهشی: یکی عروسک بازر را... / سنبل ۱۷۱

- ۲۱) حاتمی، زهرا، (۱۳۹۸)، تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه)، ج ۲، تهران: نشر علم.
- ۲۲) دالمانی، هانری رنه، (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره وش، تهران: امیرکبیر.
- ۲۳) دروویل، گاسپار، (۱۳۳۷)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- ۲۴) دروویل، گاسپار، (۱۳۸۷)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- ۲۵) دلریش، بشری، (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجار، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۶) دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، چرند پزند، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی. (دهخدا، علی اکبر، (بی تا)، چرند و پزند، معرفت).
- ۲۷) رایس، کلارا کولیور، (۱۳۸۳)، سفرنامه (زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان)، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- ۲۸) سعدوندیان، سیروس، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جمعیت‌شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۹) سعدوندیان، سیروس، (۱۳۸۰)، عدد انبیه، شمار نفوس از دارالخلافه تا تهران ۱۳۱۱-۱۲۳۱ خورشیدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۰) شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ج ۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- ۳۱) شریعتمداری، علی، (۱۳۷۵)، روان‌شناسی تربیتی، ج ۶، تهران: امیرکبیر.
- ۳۲) صابر، میرزاعلی اکبر، (۱۹۷۷)، هوپ هوپ نامه، ترجمه احمد شفقانی، باکو: نشریات دولتی آذربایجان.
- ۳۳) طالبوف، عبدالرحیم، (۱۳۲۴)، مسائل الحیات، تفلیس: چاپخانه غیرت.
- ۳۴) طالبوف، عبدالرحیم، (بی تا)، مسالک المحسنین، به همت محمد رضائی، تهران: کلاله خاور.
- ۳۵) عارف قزوینی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، کلیات دیوان عارف قزوینی، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سنایی.
- ۳۶) عاملی رضایی، مریم، (۱۳۸۹)، سفرنامه به گل (تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۳۷) عبادی، شیرین، (۱۳۹۲)، حقوق کودک؛ نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران متن کامل کنوانسیون حقوق کودک، ج ۹، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۳۸) عشقی، سید محمدرضا میرزاده، (۱۳۵۷)، کلیات مصور میرزاده عشقی، ج ۸، نگارش علی اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.

۳۹) فوروکاوا، نوبویوشی، (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیجی ته اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۴۰) قائم‌مقامی، عالم‌تاج، (۱۳۷۴)، *دیوان عالم‌تاج قائم‌مقامی (ژاله)*، تهران: انتشارات ما.

۴۱) کراچی، روح‌انگیز، (۱۳۹۵)، *خشونت مشفقانه (روایتی از مردسالاری دوران ناصری)*، چ ۲، تهران: نشر تاریخ ایران.

۴۲) کرمانی، آقاخان، (۲۰۰۲)، *هشت‌بهشت*، From Bayani Digital Publications

۴۳) کرون، پاتریشیا، (۱۳۹۶)، *جامعه‌های ماقبل صنعتی: کالبدشکافی جهان پیشامدرن*، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشر ماهی.

۴۴) گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

۴۵) قزوینی، سید اشرف‌الدین، (۱۳۳۸)، *دیوان شعر*.

۴۶) مستشفی، علی، (۱۳۱۴)، *از دواج و حفظ‌الصحه*، تهران: روشنایی.

۴۷) مستوفی، میرزا یوسف خان، (۱۳۱۸)، *تربیت نسوان*، تهران: معارف.

۴۸) معجز شبستری، (بی‌تا)، *کلیات معجز شبستری*، بی‌جا، بی‌نا.

۴۹) ملک، سرجان، (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.

۵۰) موریه، جیمز، (۱۳۵۴)، *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی در ایران*، چ ۲، به کوشش یوسف رحیم‌لو، تبریز: انتشارات حقیقت.

۵۱) نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد، (۱۳۸۴)، *سه اثر از نجم‌الدوله (رساله تطبیقه، رساله تشخیص نفوس دارالخلافة و سفرنامه حج)*، تنظیم و تحشیه احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵۲) واتسن، رابرت گرنٹ، (۱۳۴۰)، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: سخن.

۵۳) ویشارد، جان، (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.

۵۴) مقالات

۵۵) اسدپور، عهدیه، کمالی، افسانه، سفیری، خدیجه، (۱۳۹۸)، «فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک - زنان ازدواج کرده خراسانی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره دهم، شماره اول، (ص ۱۶۷-۱۹۴).

۵۶) اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۶)، «بررسی مفهوم کودک با رویکرد به حوزه کیفی»، *ندای صادق*، ش ۴۵ و ۴۶، (ص ۱-۲۶).

۵۷) رحمانیان، داریوش، حاتمی، زهرا، (۱۳۹۳)، «کودکی و تجدد در دوره رضاشاه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال پنجم، شماره بیستم، (ص ۸۴-۶۱).

مقاله علمی- پژوهشی: یکی عروسک بازرار... / سنبل ۱۷۳

- ۵۸) شبانی، احمد، (بهار ۱۳۹۶)، «کودکی زدایی در کتاب‌های درسی ابتدایی در ایران»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۳، شماره ۴۶، (ص ۳۷ - ۶۹).
- ۵۹) شکری، فریده، (۱۳۸۷)، «بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۰، (ص ۱۵۶-۱۳۱).
- ۶۰) عباسی سرمدی، مهدی و عهدیه زنگی اهرمی، (پاییز و زمستان ۹۴)، «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی»، *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، سال بیستم، شماره ۶۳، (ص ۲۳ - ۴۱).
- ۶۱) لطفی، راضیه، (۱۳۹۸)، «پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس زنان»، *فصلنامه زن و بهداشت*، شماره ۲، (ص ۶۷ - ۷۹).
- ۶۲) مقدادی، محمدمهدی، جوادپور، مریم، (۱۳۹۶)، «تأثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال یازدهم، شماره چهارم، (ص ۳۱ - ۶۰).
- ۶۳) موسوی بجنوردی، محمد، (۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه»، *پروژه‌نامه متین*، ش ۲۱، (ص ۲۷ - ۶۰).
- ۶۴) یعقوبی جویباری، فاطمه، محمدحسین شعبانی، سید ابراهیم میراحمدی، (۱۳۹۸)، «بررسی آثار و وضعیت ازدواج کودکان در فقه امامیه و حقوق ایران»، *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، سال ۴، شماره ۱ (پیاپی: ۱۵)، (ص ۶۷-۶۱).

منابع لاتین

- 1) Parsons, J., Edmeades, J., Kes, A., Petroni, S., Sexton, M., & Wodon, Q. (2015). Economic impacts of child marriage: a review of the literature. *The Review of Faith & International Affairs*, 13(3), (pp.12-22).
- 2) Arthur, M., Earle, A., Raub, A., Vincent, I., Atabay, E., Latz, I., ...& Heymann, J. (2018). Child marriage laws around the world: Minimum marriage age, legal exceptions, and gender disparities. *Journal of women, politics & policy*, 39(1), 51-74.
- 3) <https://www.unicef.org/protection/child-marriage>.
- 4) convention on the rights of the child (20 november 1989) (un.org).



خانقوشی ایاز بخار آمد
صفت آفت جان پندره آمد

پرتال جامع علوم انسانی

گلین

بوخیردا قیز نیجه کینسین ارین برین سالسون
تکذبانه دبدیم : ویرمه ، قوی هله فالسون
تکذبان دبدی ، قیز مظهرالتر ایدر ،
اوروج نماز اونا دوققوزباشیندا واجبار
اگر بوسن ده قیز یلمیددی عشق نادر
اوخوردی صیفه عقد هیچ اوقیزا ملا قدیر ؟
آخوند نازی ، پیغمبری چوخ ییلیر باسن ؟
دبدیم : بلی یله در ای تکذبان احسن
منی چون ایلدی ساکت جواب قانونی
طوی ایلوب اره ویردیم قیزیم همایونی
اونی کیجه بولا سالدوق ولی چوخ آغلاشدیق
خوروز بانینا کیمی سوبله دیک ، چوبوقلاشدیق
کیجه نه وقتندی یلمم که قایی سه سلندی ،
تکذبان دبدی : دور آج که بنگه لر گلدی !
قایی آچیلدی ! گلوب بنگه لر اونوردی بره
تکذ دبدی : خالا جان اولدیبی همان فقره ؟
خالا ویریب حرکت باشنه بش اون دفعه
دبدی قیزیم ناغولم وارسته بش اون صفحه
مشاطه ال اله چون ویردی نیزاه دامادی
مشاطه چیغدی پس : نایق قاپونی باغلادی
بش اون دقیقه که کچدی اوجالدی بیر ناله
زواللی قیز چغیر بردی مثال بزغاله
چکیردی ناله دیردی گلون منی آپارین
توتور منی ، گیدبرم ابومبزه سنی تارین